



سال سوم، دوره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۵

دوره‌بندی شعر معاصر تاجیک: از روشنگری تا استقلال (۱۸۷۰-۲۰۱۵م)

دکتر ابراهیم خدایار^{*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۶

چکیده

ماوآراءالنهر در مقام نخستین وطن اقوام آریایی نژاد پیوسته در تاریخ ادب فارسی حضوری برجسته داشته‌است. پس از تشکیل دولت صفویه در ایران و ازبکان شیبانی در بخارا در سده پانزدهم میلادی، سرنوشت سیاسی دو منطقه از یکدیگر جدا شد؛ اما تا اشغال این منطقه از سوی تزار روسیه در سده نوزدهم، روابط فرهنگی مردمان دو سوی جیحون کمابیش ادامه داشت. نهضت بیداری با حضور روسیه و اشغال منطقه زبانه کشید و بعدتر در قامت تجددگرایان شعله‌ور شد. تجددگرایان با پیروزی احزاب کمونیسم، برای رسیدن به آرمان‌های خود به دامان آن خزیدند. با تشکیل پنج جمهوری شورایی از دل ویرانی‌های خانان منطقه، تاجیکان در سال ۱۹۲۴ صاحب حکومت شدند. آنها طی نزدیک به هفت دهه در بستر ادبیات شورایی به آفرینش ادبی دست یازیدند؛ اما با استقلال در سال ۱۹۹۱ بار دیگر به آغوش مام وطن تاریخی بازگشتند. مسئله اصلی این پژوهش بررسی دوره‌بندی تحولات شعری تاجیکان از شروع نهضت بیداری تا استقلال منطقه در بستر نظریه تاریخ ادبیات است. پس از بررسی دوره‌بندی‌های صورت پذیرفته و نقد مبانی فکری آنها الگوی نگارنده در این زمینه پیشنهاد شده‌است. به نظر می‌رسد این الگو تأثیر مستقیمی در نگارش جریان‌شناسی شعر معاصر تاجیک داشته باشد و بتواند در معرفی میراث آن به فارسی‌زبانان جهان نقش مؤثری ایفا کند.

واژگان کلیدی: ادبیات معاصر تاجیک، دوره‌بندی ادبی، نظریه ادبی، تاجیکستان

* Hesam_kh1@modares.ac.ir

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

۱- مقدمه

بررسی پدیده‌ها از طریق دسته‌بندی در گروه‌های خاص براساس ویژگی‌های مشترک، ساده‌ترین و در عین حال منطقی‌ترین روش پیش روی دانشمندان در تاریخ اندیشه بشری بوده‌است. پیشینه این نوع طبقه‌بندی‌ها در زمینه تاریخ ادبیات فارسی در کتاب *نظریه تاریخ ادبیات*، تألیف محمود فتوحی بررسی شده‌است. نویسنده در بازنویسی و ویراست دوم کتاب، که خود آن را به لحاظ روش، حجم و محتوا کتابی دیگر معرفی کرده، این موضوع را با نام *نظریه تاریخ ادبیات با بررسی انتقادی تاریخ ادبیات‌نگاری در ایران* سامان داده‌است. وی در این اثر «مجموعه نوشته‌های تئوریک فارسی درباره نظریه تاریخ ادبیات» را از ده صفحه بیشتر نمی‌داند (۱۳۸۷: ۲۲). نویسنده در بخش چهارم فصل اول کتاب که به «مسائل نظری تاریخ ادبیات» اختصاص دارد «موضوع دوره‌بندی تاریخ ادبیات» را ذیل عنوان‌های تعریف‌ها، ضرورت‌ها، الگوها و شاخص‌ها و غیره بررسی کرده‌است (نک. همان: ۱۳۸-۱۶۴).

مهدی زرقانی در کتابی با نام *تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی* درباره تکوین تدریجی نگارش تاریخ ادبی ایران از آغاز تاکنون بحث کرده‌است. وی برخلاف سنت مشهور که آغاز تاریخ ادبیات‌نویسی فارسی را به نگارش تذکره‌نویسی ادبی فارسی مربوط می‌داند، «نوشتارهای پیشاتذکره‌ای» را که «ذیل نسل اول» تاریخ ادبیات‌نویسی جا می‌گیرند و شامل کتاب‌ها و رسالات متنوعی از جمله «گلچین‌های ادبی»، «اخبار»، «انساب»، «کتب رجال»، «معجم‌ها» و «طبقات» است، نخستین منبع تألیف و الگوی نگارش تذکره‌های ادبی فارسی و تاریخ‌های ادبیات در دوره جدید معرفی کرده‌است (۱۳۸۸: ۳۳-۴۰). بخش اول این کتاب نظریه تاریخ ادبی است که ذیل سه فصل: ۱- تکامل تدریجی یک سنت: نگارش تاریخ ادبی؛ ۲- مطالعه روش‌شناختی تواریخ ادبی ایران و ۳- مبانی نظری روش ما (همان: ۳۳-۱۳۰) سامان یافته‌است. نویسنده در بخش سوم، رویکرد توأمان درون‌متنی و برون‌متنی را در نگارش تاریخ ادبیات و مسائل مربوط به آن دخیل می‌داند و می‌نویسد: «ما سعی می‌کنیم با رویکرد توأمان به «برون‌متنی» و «درون‌متنی» و تلفیق آنها در قالب یک ساختار منسجم، تصویر روشنی از تاریخ ادبی ایران را پیش چشم خوانندگان محترم بیاوریم» (همان: ۸۹).

ناصرقلی سارلی در مقاله «رویکردها و شیوه‌های دوره‌بندی در تاریخ ادبی» (۱۳۹۲) با ذکر پیشینه‌ای کوتاه از پژوهش‌های ایرانیان در دوره معاصر در زمینه دوره‌بندی ادبی، بحث درازدامنی درباره رویکردها و شیوه‌های دوره‌بندی در ایران و جهان طرح کرده و ویژگی‌های هر

کدام از آنها را برشمرده‌است. وی پس از آنکه به دلالت هر دوره‌بندی ادبی براساس مفاهیمی مبتنی بر «روح زمانه و شرایط مادی و اجتماعی تولید ادبی تا هنجارهای غالب و الگوهای تکامل اندام‌وار» اشاره می‌کند، به‌رغم اذعان به تنوع مفهوم دوره‌بندی در تاریخ ادبی «دو رویکرد متمایز» را در زمینه یاد شده معرفی می‌کند:

۱- رویکرد بیرونی^۱ که به دوره‌بندی ادبی بر بنیاد عوامل بیرون از ادبیات گرایش دارد. این رویکرد می‌تواند به دو نوع دوره‌بندی بینجامد: دوره‌بندی بر مبنای نوع دیگری از تاریخ مانند تاریخ سیاسی (ادبیات الیزابتی) و دوره‌بندی براساس گاه‌شماری صرف (قرن‌ها و دهه‌ها)؛ ۲- رویکرد درونی^۲ که تاریخ ادبی را صرفاً بر مبنای ویژگی‌های مشاهده‌پذیر مرتبط با ادبیات دوره‌بندی می‌کند (همان: ۹۱).

و در ادامه می‌افزاید که «در بسیاری از بخش‌بندی‌های دوره‌ای تاریخ ادبی، دو رویکرد درونی و بیرونی با هم تداخل و تعامل دارند» (همان: ۹۲).

جریان‌شناسی‌های ادبی را نیز می‌توان از منظری دیگر در پیوند با موضوع دوره‌بندی ادبی دانست. جریان‌شناسی هرچند خود از منظر روش، موضوع و مواد خام مطالعاتی ویژگی‌های خاص خود را دارد، در چهارراه مطالعات نظریه و نقد ادبی با یکدیگر تلاقی پیدا می‌کنند و در خدمت ادبیات درمی‌آیند. پژوهشگران، دهه چهل را در ایران، دوره شکل‌گیری جریان‌شناسی‌های ادبی دانسته‌اند. گویا اسماعیل نوری اعلا در کتاب *صور و اسباب در شعر امروز/ ایران* در سال ۱۳۴۸ نخستین بار برای توصیف گرایش‌های شعری در ادبیات معاصر ایران، موضوع جریان‌شناسی ادبی را در مطالعات این حوزه بنیان گذاشت (حسین‌پور چافی، ۱۳۸۴: ۳۳؛ پورنامداریان و طاهری، ۱۳۸۵: ۷-۸ و طاهری ۱۳۹۳: ۲۸-۳۹).

۲- بیان مسئله

نقش آسیای مرکزی در شکل‌دهی به زبان و ادب فارسی و هویت‌بخشی به فارسی‌زبانان در حوزه تمدنی مشترک با ایران از آغاز پیدایش زبان و ادب فارسی تاکنون بسیار برجسته است. آسیای مرکزی هرچند تا سده پانزدهم میلادی با ایران دارای سرنوشت سیاسی و فرهنگی مشترک بود، از این تاریخ به بعد با تشکیل صفویه در ایران و شیبانیان در بخارا از منظر جغرافیایی، مذهبی و سیاسی سرنوشت مستقلی یافت. در نیمه دوم سده نوزدهم، امپراتوری روسیه بخش بزرگی از

1. extrinsic
2. intrinsic

این منطقه را به اشغال خود درآورد و ابتدا با از بین بردن خان‌نشین خوقند (۱۸۷۶م)، دو خان‌نشین خوارزم (۱۸۷۳) و بخارا (۱۸۶۸) را تحت قیمومیت خود درآورد (خدایار، ۱۳۸۴: ۷۴). این وضعیت تا ۱۹۲۴ میلادی ادامه یافت، تا اینکه با تقسیم‌بندی‌های نوین در منطقه، پنج جمهوری مستقل تأسیس شد. با تأسیس این جمهوری‌ها که با شکل‌گیری هویت‌های بومی و تغییر هویت فارسی به تاجیکی (تغییر زبان فارسی به زبان تاجیکی و تغییر خط فارسی به خط لاتین و بعدتر سیریلیک) همراه بود، روند دوری فارسی‌زبانان منطقه از میراث خود بیشتر نمایان شد. مرگ استالین (۱۹۵۳) و سپس کسب استقلال کامل جمهوری‌ها (۱۹۹۱) میل بازگشت به میراث نیاکان را احیا کرد. دوره استقلال تاجیکستان را باید زمان بازگشت واقعی تاجیکان آریایی‌نژاد به سنت‌های ادبی مشترک هزاران ساله با دیگر اقلیم فارسی‌زبان در جهان دانست. مسئله اصلی این پژوهش طبقه‌بندی و تحلیل تحولات ادبیات تاجیک در آسیای مرکزی در دوره معاصر (۲۰۱۵-۱۸۷۰) در قالب دوره‌بندی شعر معاصر تاجیک است. زبان و ادب فارسی در دوره نوین حیات خود در آسیای مرکزی و تاجیکستان چه دوره‌هایی را از سر گذرانده و این دوره‌ها چه ویژگی‌هایی داشته است؟ فرض نویسنده بر این است که با تکیه بر عوامل بیرونی (تحولات تاریخی) و دورنی میراث ادبی معاصر تاجیک (تحولات ادبی، ادبیت متن) می‌توان میراث این دوره از ادبیات معاصر تاجیک را در هشت دوره کاملاً مجزا با ویژگی‌های خاص خود طبقه‌بندی و تحلیل کرد.

۳- پیشینه پژوهش

سنت دوره‌بندی ادبی در تاریخ ادبیات معاصر تاجیک، نخستین بار به صورت مقدماتی با تکیه بر معیارهای تأثیرگذار بر دوره‌بندی از منظر بیرونی (زمان و تحولات سیاسی) و درونی (تحول محتوا و قالب‌های ادبی) در نمونه *ادبیات تاجیک* از صدرالدین عینی (۱۸۷۸-۱۹۵۴) دیده می‌شود (۱۹۲۶: ۵۲۹-۵۳۰). وی در این مقدمه کوتاه و عالمانه که برای بخش نخست قسم سوم کتاب خود، ذیل نام «حصه اول» از «قسم سوم» نوشته، با اشراف و آگاهی کامل از مفهوم «دوره‌بندی»، شالوده نظری دوره‌بندی ادبیات نوین تاجیک را بنا نهاد.

این دوره‌بندی مقدماتی در تمام دوره‌بندی‌های بعدی مؤثر واقع شد؛ اما رجوع کامل و دقیق به آن از ۱۹۸۵ به بعد رخ داد، با این تفاوت که بخش نخست و دوم دوره‌بندی شامل معارف‌پروری (۱۸۷۰-۱۹۰۵) و تجددگرایی (۱۹۰۵-۱۹۱۷)، در ادبیات دوره شوروی (۱۹۱۷-۱۹۸۵) بسیار کم‌رنگ، مغرضانه و تحریف شده تحلیل می‌شد؛ اما در دوره بازسازی (۱۹۸۵-۱۹۹۱) و استقلال

(۱۹۹۱ تا کنون) کاملاً با انصاف علمی و از روی واقعیت‌های تاریخی تحلیل شد و غالب جنبه‌های مثبت و منفی آن به نقد کشیده شد. اگر بخواهیم به پیشینه دوره‌بندی ادبیات معاصر تاجیک پس از عینی نگاه تاریخی داشته باشیم، فهرست زیر پیش روی ما قرار خواهد گرفت.

۳-۱- مکتب خاورشناسان روس و اروپای شرقی

سنت دوره‌بندی ادبی در ادبیات دوره شوروی تاجیک در پژوهش‌های مکتب اتحاد جماهیر شوروی سابق، اروپای شرقی و تربیت‌شدگان تاجیک این مکتب ریشه دارد. این تحقیقات نخستین بار در *آوچرک تاریخ ادبیات ساویتی تاجیک*^۱ زیر نظر هیئت تحریریه و تألیف براگینسکی^۲، اِدلمن^۳ و حسین‌زاده جمع‌بندی شد. تمام تحقیقات بعدی در زمینه دوره‌بندی ادبیات معاصر تاجیک تا قبل از فروپاشی شوروی بر همین اساس ادامه یافت. مبانی نظری کتاب شش جلدی *تاریخ ادبیات ساویتی تاجیک*^۴، تألیف گروهی از نویسندگان، زیر نظر هیئت تحریریه و محمدجان شکوری بخارایی با سمت مسئول محرر از ۱۹۷۸-۱۹۸۴ و *تاریخ ادبیات ایران*^(۱) تألیف یان ریپکا^۵ (نسخه چکی ۱۹۵۵ / ترجمه انگلیسی ۱۹۶۸)، خاورشناس نامدار چکسلواکی سابق و تعدادی از همکارانش در بستر مکتب خاورشناسی روسیه شکل گرفته و یکسره در جهت حمایت و تأیید ایدئولوژی حزب حاکم کمونیست و توجیه اندیشه‌های سیاسی و فرهنگی آنان در بستر تحولات شورایی است. این مکتب تا ۱۹۸۵ در تمام اتحاد شوروی به حیات خود ادامه داد.

۳-۲- مکتب دوره بیداری و آزادی

با آغاز دوره اصطلاحات سیاسی و اقتصادی میخائیل گورباچف^۶، شکاف جدی‌ای در بنیان نظری دوره‌بندی ادبیات دوره شوروی تاجیک رخ داد. عبدالنبی ستارزاده، طی سلسله مقالاتی در نخستین سال‌های بازسازی، میراث تاریخ ادبیات و نقد ادبی دوره شوروی تاجیک را بررسی کرد. این مقالات در ۲۰۰۴م با نام *کهنه و نو* (دوشنبه: ادیب) به خط

1. Очерки Таърихи Адабиёти Советии Тоҷик (vol 1: 1956, vol 2: 1958)
2. И. С. Бругиский (1905-1989)
3. А. С. Эдельман
4. Таърихи Адабиёти Советии Тоҷик (1978-1984)
5. Jan Ryka (1886-1968)
6. Mikhail Gorbachev

تاجیکی منتشر و بلافاصله در ۱۳۸۴ش از سوی پژوهشگاه فرهنگ فارسی- تاجیکی در تاجیکستان به خط فارسی چاپ شد. رحیم مسلمانیان قبادیانی از پیشتازان تغییر در مفاهیم و بنیادهای نظری دوره‌بندی ادبیات معاصر تاجیک به‌شمار می‌رود. وی در مقاله‌ای که درباره دوره‌بندی ادبیات معاصر تاجیکی در سال ۱۹۹۰ در هفته‌نامه/ادبیات و صنعت تاجیکستان منتشر کرد، پیشنهاد جدیدی نسبت به آنچه در سنت دوره پیشین جریان داشت، در چهار مرحله ارائه کرد. وی پس از مهاجرت به ایران پیشنهاد خود را در مقاله‌ای با نام «ادبیات نو تاجیکی» اصلاح و تکمیل و آن را در کیهان فرهنگی به چاپ رساند (مسلمانیان قبادیانی، ۱۳۷۱). مبنای دیدگاه وی در مورد دوره‌بندی ادبیات معاصر تاجیک، ترکیبی از ملاحظات تاریخی، سیاسی و اجتماعی و توجه به محتوای ادبی است. نویسندگان تاریخ ادبیات و منتقدان ایرانی و تاجیکی در سه دهه اخیر تحت تأثیر دیدگاه‌های مسلمانیان قبادیانی در این زمینه بوده‌اند. مبنای دوره‌بندی وی توجه به تحولات تاریخی و تغییرات شکل‌گرفته در شکل و محتوای ادبی براساس همان تغییرات تاریخی است. تأثیر انقلاب اکتبر را می‌توان در این دوره‌بندی به‌روشنی احساس کرد.

۴- دوره‌بندی شعر معاصر تاجیک و جریان‌های تأثیرگذار در آن

آن‌گونه که گفته شد سنت دوره‌بندی ادبی تاجیک نخستین بار به صورت مقدماتی در نمونه ادبیات تاجیک (عینی، ۱۹۲۶: ۵۲۹-۵۳۰) آمده‌است. این مقدمه را می‌توان در گزاره‌های زیر خلاصه کرد:

- ۱- احمد دانش بنیانگذار «راه نو» و «اسلوب تازه» در ادبیات منشور تاجیک است؛ اما این شیوه تا ۱۹۰۵، یعنی تا انقلاب اول روسیه شایع نشده بود.
- ۲- ادبیات نو تاجیک از ۱۹۰۵ آغاز می‌شود و تا ۱۹۱۷، یعنی انقلاب اکتبر روسیه ادامه می‌یابد. صفت «نو» برای این دوره از ادبیات نسبت به «ادبیات کهنه صرف» است که تا این تاریخ رواج داشته‌است؛ بنابراین جز در موارد بسیار نادر ادبیات این دوره صرفاً از نظر موضوع نو است: «وگر نه اسلوب، طرز بیان، افاده افکار کردن در ضمن قصیده، غزل، رباعی و امثالش و رعایت وزن و قافیه بر وجه اکمل، مبالغه، تشبیه و صنایع لفظیه عیناً به طرز کهنه است، الا نادراً» (همان: ۵۲۹).

۳- عوامل چندی در شکل‌گیری این ادبیات دخیل بوده‌اند از جمله وقوع انقلاب نخست

روسیه (۱۹۰۵)، رواج روزنامه‌ها و کتاب‌های تازه از سایر کشورها در بخارا و ترکستان و پرورش نسل جدید ادیبان در این منطقه همسو با تحولات جدید.

۴- موضوعات جدید ادبیات این دوره عبارت‌اند از: وطن، ملت، دین، علم و معارف، مبارزه علیه حاکمان ستمگر، انتقاد از علما [درباری].

۵- ادبیات به اعتبار موضوع حقیقتاً انقلابی بعد از انقلاب اکتبر در این منطقه رایج شد (همان: ۵۳۰).

با تشکیل جمهوری تاجیکستان در ۱۹۲۴ سنت تاریخ ادبیات نویسی در این جمهوری تحت سلطه پژوهش‌های مکتب اتحاد جماهیر شوروی سابق، اروپای شرقی و تربیت‌شدگان تاجیک این مکتب شکل گرفت و ادامه یافت. در مقدمه *آچرک تاریخ ادبیات ساویتی تاجیک* (Брогиский & Эдельман & Шарифзода, 1956: 1/5-31)، مبنای دوره‌بندی این پژوهشگران در دوره‌بندی تاریخ ادبیات تاجیک اتکا به تاریخ عام تحولات خلق تاجیک است؛ زیرا به عقیده نویسندگان، انکشاف ادبیات شوروی تاجیک دقیقاً با سال‌های حاکمیت شورایی برابر است: «از همین سبب باید تقسیمات دوره‌های ادبیات ساویتی تاجیک اساساً به تقسیمات دوره‌های تاریخ خلق تاجیک پس از ریوالیتسیه اکتیابر [انقلاب اکتبر ۱۹۱۷] موافق آید» (همان: ۳۱/۱). این نوع تقسیم‌بندی با توضیحاتی که مؤلفان در پایان دوره‌بندی به آن اشاره کرده و آن را از تکرار مکانیکی تاریخ متمایز دانسته‌اند، در رویکردها و شیوه‌های دوره‌بندی تاریخ ادبیات، مبتنی بر «مبنای رویدادها، مفاهیم و دوره‌های تاریخ عمومی و سیاسی» است و در اغلب کشورهای جهان و ایران محل اعتنا بوده‌است. تاریخ سیاسی و ایدئولوژی در این دوره‌بندی نقش بارزی دارد و هر پدیده ادبی در دل این دو مفهوم و ارزش‌های حاکم بر آن تحلیل می‌شود (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۴۷-۱۴۹؛ سارلی، ۱۳۹۲: ۱۰۰-۱۰۱). نخستین الگوی دوره‌بندی ادبیات ساویتی تاجیک براساس نظر براگینسکی، ادلمن و حسین‌زاده به شرح زیر سامان یافته‌است:

۱- ادبیات ساویتی تاجیک در دوره غلبه ریوالیتسیه کبیر ساتسیالیستی اکتیابر [سوسیالیستی اکتبر] و استوار گردیدن حاکمیت ساویتی در تاجیکستان (۱۹۱۷-۱۹۲۹).

۲- ادبیات ساویتی تاجیک در سال‌های پنج‌ساله‌های پیش از جنگ (۱۹۳۰-۱۹۴۱).

۳- ادبیات ساویتی تاجیک در سال‌های جنگ بزرگ وطنی (جون ۱۹۴۱-۱۹۴۵).

۴- ادبیات ساویتی تاجیک در دوره پس از جنگ (Брогиский & Эдельман & Шарифзода, 1956: 1/31).

این الگو در کتاب شش جلدی *تاریخ ادبیات ساویتی تاجیک*^۱ نیز تکرار شد. با این تفاوت که این دوره‌بندی براساس «انکشاف ژانرها» تألیف شد. این تقسیم‌بندی از نظر تاریخی هیچ تفاوتی با *آچرک تاریخ ادبیات ساویتی تاجیک* نداشت؛ اما از آنجا که تحول ژانرها و سبک‌های ادبی در متن دوره‌بندی قرار گرفته بود، تحول مهمی در این زمینه به شمار می‌رفت.

یکی دیگر از آثار نوشته شده در چنبره مکتب اروپای شرقی، تاریخ ادبیاتی است که یان ریپکا و تعدادی از همکارانش تألیف کرده‌اند. بخش ادبیات تاجیکی آن را یرژی بچکا، تألیف کرده‌است. بچکا در این اثر در بخش «ادبیات تاجیک از سده شانزدهم تا روزگار کنونی» کتاب یادشده (۱۳۷۲: ۱/۲-۸۳۹-۱۰۴۸) با نگاه جانبدارانه و کاملاً ایدئولوژیکی در زمینه ادبیات تاجیک و دوره‌بندی آن تا ۱۹۶۸ سخن گفته‌است. این بخش از کتاب در ۱۳۷۱ با افزودن بخشی با نام «ادبیات معاصر تاجیک» تکمیل و در ۱۳۷۲ با نام *ادبیات فارسی در تاجیکستان* با ترجمه محمود عبادیان و سعید عبانژاد هجران دوست به صورت مستقل چاپ شد (بچکا، ۱۳۷۷). بچکا ادبیات تاجیک را در پس از انقلاب ۱۹۱۷ به شکل زیر دوره‌بندی کرده‌است:

۱- از انقلاب تا استوار شدن قدرت شوروی، یعنی تشکیل جمهوری سوسیالیستی تاجیکان شوروی (۱۹۱۷-۱۹۲۹)

۲- دوران گسترش صلح‌آمیز کشور تا در گرفتن آتش جنگ دوم جهانی (۱۹۲۹-۱۹۴۱)

۳- ادبیات تاجیک شوروی در زمان جنگ دوم جهانی (۱۹۴۱-۱۹۴۵)

۴- ادبیات پس از جنگ از ۱۹۴۵ تا زمان کنونی [۱۹۶۸] (همان: ۲/۹۵۷).

وی در کتاب *ادبیات فارسی در تاجیکستان* که در واقع تکمیل شده مباحث پیشین در

کتاب *تاریخ ادبیات ایران* است، این بخش را این‌گونه اصلاح و تکمیل کرده‌است:

۱- از زمان انقلاب تا تحکیم حکومت شوروی، یعنی تأسیس جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجیکستان (۱۹۱۷-۱۹۲۹)

۲- دوره صلح و آرامش در کشور تا آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹۲۹-۱۹۴۱)

۳- ادبیان شوروی تاجیک طی جنگ جهانی دوم (۱۹۴۱-۱۹۴۵)

۴- ادبیات پس از جنگ (از ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۶)

۵- ادبیات از ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۵

1. Таърихи Адабиёти Советии Тоҷик (1978-1984)

۶- دوران پس از ۱۹۸۵ (همان: ۱۱۹، ۲۱۱-۲۴۲).

ستارزاده در مقاله‌ای که با نام «دوره‌بندی ادبیات از نگاه روش‌شناسی» در ۱۹۸۸ تألیف و در کتاب کهنه و نو (۱۳۸۴) بازنشر کرده‌است، به برخی از مبانی نظری تاریخ ادبیات نویسی فارسی و تاجیکی از آغاز تذکره‌نویسی تا امروز اشاره و در پایان روش‌های معمول دوره‌بندی تاریخ ادبیات را در پنج بخش خلاصه کرده‌است:

۱- براساس خاندان‌های فرمانروا

۲- براساس سبقت زمان

۳- براساس انواع یا ژانرها، سبک‌ها و مکتب‌های ادبی

۴- براساس رویدادهای تاریخی، سیاسی و اجتماعی

۵- براساس دوره‌های عام تاریخی (همان: ۲۲۷).

قبادیانی از پیش‌تازان تغییر در مفاهیم و بنیادهای نظری دوره‌بندی ادبیات معاصر تاجیک به‌شمار می‌رود. این پیشنهادها و نیز برخی اصطلاحات ابداعی وی در این زمینه از جمله کاربرد «ادبیات قالبی و بیرنگ» (ادبیات فرمایشی و تولیدشده براساس دستورنامه‌های حزب کمونیست و نظریه‌پردازان فرهنگ آن) و «ادبیات حقیقی مردمی» (ادبیات تولیدشده در فضای آزاد و توجه به نیازهای مردم و دردهای ملی آنها) بعدها سرمشق پژوهشگران تاریخ ادبیات تاجیک در ایران و تاجیکستان شد. مسلمانیان در مقاله‌ای که در ۱۹۹۰ در هفته‌نامه/ادبیات و صنعت تاجیکستان منتشر کرد، پیشنهاد جدیدی نسبت به آنچه در سنت دوره پیشین جریان داشت، در چهار مرحله ارائه نمود (مسلمانیان قبادیانی، ۱۳۷۱: ۲۵-۲۷). مبنای دیدگاه وی در مورد دوره‌بندی ادبیات معاصر تاجیک، ترکیبی از ملاحظات تاریخی، سیاسی و اجتماعی است که بر روی موضوع خودشناسی ملی و خودآگاهی تاریخی قوم تاجیک بر سیر تحولات تاریخی در دوره معاصر ادبیات تاجیک از نیمه دوم سده نوزدهم تا پایان سده بیستم متمرکز شده‌است. وی پس از ارائه خلاصه آرای پژوهشگران دوره شوروی درباره مرحله‌بندی ادبیات شوروی تاجیک پیشنهاد خود را در این زمینه به شکل زیر ارائه کرده‌است:

۱- نیمه دوم سده نوزدهم، ادبیات معارف‌پروری یا مرحله جدل برای رهانیدن مردم از ستم و نادانی

۲- سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۵، ادبیات جدید یا مرحله تلاش در راه خودشناسی

۳- سال‌های ۱۹۲۶ تا آخر سال‌های پنجاه، مرحله تشکل و تحول ادبیات قالبی و بیرنگ تاجیک

۴- از آخر سال‌های پنجاه تا آخر سال‌های هشتاد، مرحله جهش از قالب بیرنگ ادبی به شیوه‌های نو

۵- از آخر سال‌های هشتاد به این سو، مرحله رشد ادبیات حقیقی مردمی (همان‌جا). مؤلف کتاب *جویبار لحظه‌ها* همین دوره‌بندی را -البته بدون ذکر مأخذ و با ویرایش جزئی در نگارش- پذیرفته و در بخش هفتم اثر خود با نام «ادبیات فارسی در خارج از ایران» ذکر کرده‌است (یا حقی، ۱۳۸۳: ۳۸۷-۳۸۸).

علیرضا قزوه در مقدمه کتاب *خورشیدهای گم‌شده: گزیده شعر/امروز تاجیک* (۱۳۷۶) در فصلی با نام «مقدمه‌ای بر شعر امروز تاجیک» از نگاه نسلی به نقد و معرفی شعر معاصر تاجیک پرداخته‌است (همان: ۱۵-۵۲). وی در این مقدمه که در همان سال‌های انتشار با واکنش منفی برخی از شاعران و نویسندگان تاجیک مواجه شد، تلاش کرد با دیدی کاملاً انتقادی و البته ایدئولوژیک، میراث شعری یکصد سال اخیر تاجیک را از دوره معارف‌پروری تا آغازین سال‌های استقلال تاجیکستان به بوته نقد بکشد. وی این میراث را که گونه‌ای دوره‌بندی تاریخ شعر معاصر تاجیک است، در قالب پنج نسل از عینی تا سیدمیرزا علی‌نظر -مشهور به اسفندیار نظر- بررسی کرد که با احتساب آخرین نسل اختصاص‌یافته به آن به شش نسل بالغ می‌شود.

دوره‌بندی ادبی براساس مفهوم نسلی را ظاهراً نخستین بار کارل ویلهلم فردریش شلگل^۱ در اثر خود با نام *تاریخ ادبیات قدیم و جدید*^۲ طرح کرد؛ اما پژوهشگران حوزه نقد این دوره‌بندی را به دلیل اشکالات مبنایی آن از جمله تداخل نسلی یک نویسنده با نسل‌های دیگر به دلیل طولانی بودن دوران زندگی وی، مؤثر بودن برخی نسل‌ها بر نسل‌های دیگر، رویکردهای متفاوت نسل‌ها و تاریخ انتشار آثار ابداعی یک نسل از نظر سنی در سال‌های بعد و نسل‌های دیگر فاقد دقت لازم و دشواری‌های خاص خود دانسته‌اند (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۵۳-۱۵۷). قزوه نسل‌های شش‌گانه شعر معاصر تاجیک را به شرح زیر دسته‌بندی کرده‌است: ۱- نسل اول: صدرالدین عینی (۱۸۷۸-۱۹۵۴)، پیرو سلیمانی (۱۸۹۹-۱۹۳۳)، محمدجان

1. Karl Wilhelm Friedrich Schlegel (1772-1829)

2. *Geschichte der alten und neuen Literatur* (1815)

رحیمی (۱۹۰۱-۱۹۶۸) و دیگران. مهمترین ویژگی این نسل تحصیل در مکاتب و مدارس قدیم، آشنایی با ادبیات ایران، تسلط بر بلاغت کهن از جمله وزن عروضی دانسته شده‌است. وی این نسل و نسل دوم شعر تاجیک را فاقد قله‌های رفیع می‌داند و می‌نویسد: «اگر حادثه جدی در شعر تاجیکان به وقوع بپیوندد، بی‌گمان شاعرش متعلق به نسل سوم و چهارم و پنجم و یا نسل‌های بعد خواهد بود» (قزوه، ۱۳۷۶: ۲۸).

۲- نسل دوم: وی نسل دوم شعر تاجیک را زاده انقلاب نخست روسیه یا پس از آن می‌داند. باقی رحیم‌زاده (۱۹۱۰-۱۹۸۲)، عبدالسلام دهاتی (۱۹۱۱-۱۹۶۲)، میرزا تورسون‌زاده (۱۹۱۱-۱۹۷۷)، میرسعید میرشکر (۱۹۱۲-۱۹۹۳)، حبیب یوسفی (۱۹۱۶-۱۹۴۵) و شماری دیگر از همین نسل‌اند. وی عقیده دارد این نسل «در یک کلام [...] هیچ گلی به سر ادبیات تاجیکستان نزدند و حادثه‌ای نبودند، تنها کار مثبت این جماعت، همان روشن نگه داشتن چراغ ادبیات و شعر پارسی بود. اگرچه اینها همانقدر که متولی امام‌زاده شعر پارسی بودند، نگهبان چراغ «لنینی» هم بودند» (همان: ۲۸).

۳- نسل سوم (شاعران متولد اوایل دهه بیست تا اواسط دهه سی): امین جان شکوهی (۱۹۲۳-۱۹۷۹)، غفار میرزا (۱۹۲۹-۲۰۰۶)، قطبی کرام (۱۹۳۲-۱۹۹۵)، عاشور صفر (۱۹۹۶-۱۹۳۰)، مؤمن قناعت (۱۹۳۲-۲۰۱۸)، عبید رجب (۱۹۲۳-۲۰۰۴)، سلیم‌شاه حلیم‌شاه (متولد ۱۹۳۶) و مستان شیرعلی (۱۹۳۵-۱۹۸۷) از شاعران برجسته این نسل‌اند. وی حضور شاعرانی مانند مؤمن قناعت و مستان شیرعلی را در این گروه مغتنم شمرده، این نسل از شعر تاجیک را «یکی از نسل‌های پرتکاپو در شعر تاجیک» دانسته‌است (همان: ۲۹).

۴- نسل چهارم: وی این نسل را «نسل حرکت و تکاپو، نسل نوگرا، نواندیش و نسل صاحب تجربه‌ها و صاحب سبک‌ها» می‌داند. بازار صابر (۱۹۳۸-۲۰۱۸) عبدالله قادری (ممتاز) (۱۹۳۶-۲۰۰۹)، شاه‌مظفر یادگاری (۱۹۴۰-۲۰۰۹)، لایق شیرعلی (۱۹۴۱-۲۰۰۰)، حق‌نظر غایب (متولد ۱۹۴۳)، سیدعلی مأمور (متولد ۱۹۴۴)، گل‌نظر کلدی (متولد ۱۹۴۵)، حبیب‌الله فیض‌الله (۱۹۴۵-۱۹۸۰)، دارا نجات (متولد ۱۹۴۵)، علی‌محمد مرادی (متولد ۱۹۴۵) و عسکر حکیم (متولد ۱۹۴۶) از این گروه‌اند. وی در این نسل بازار صابر را برای سروده‌های سیاسی و روحیه ناآرام شعری‌اش، لایق شیرعلی را برای توانایی‌های ادبی، نوآوری‌ها و جسارت‌های هوشمندانش و دارا نجات را برای داشتن روحیه‌ای متفاوت در شعر سپید و اعتقاد به شعر تفکر از دیگران شاخص‌تر و برجسته‌تر یافته‌است (همان: ۳۰-۳۱).

۵- نسل پنجم: نسل پرتلاش و نوگرا، صاحب اعتبار و نام. گل‌رخسار^(۳) (متولد ۱۹۴۷)، ضیاء عبدالله (متولد ۱۹۴۸)، نذری یزدانی (متولد ۱۹۴۹)، کمال نصرالله (متولد ۱۹۵۰)، جمعه قوت (متولد ۱۹۵۰)، رحمت نذری (متولد ۱۹۵۱)، قوت‌بیگ دولت (متولد ۱۹۵۲)، محمدعلی عجمی (متولد ۱۹۵۴)، اسکندر ختلانی (۱۹۵۴-۲۰۰۰)، نظام قاسم (متولد ۱۹۵۸) و دیگران در این گروه جای دارند. وی به قول خودش در این نسل برای عجمی و نظام قاسم «حساب جداگانه‌ای» باز کرده و در مورد گل‌رخسار، شاعر احساس، اظهار نظر کرده‌است (همان: ۳۲-۳۳).

۶- نسل ششم: آخرین و جوان‌ترین نسل در شعر تاجیک. رستم وهاب‌نیا (متولد ۱۹۶۰)، صیاد غفار (متولد ۱۹۶۲)، سلیم ختلانی (متولد ۱۹۶۰)، محمدعلی جنیدی (متولد ۱۹۶۳)، فرزانه (متولد ۱۹۶۴)، خیراندیش (متولد ۱۹۶۴) و شماری دیگر از این نسل‌اند. از نظر وی این نسل، شعر تاجیک را از یکنواختی درآورده‌اند. این نسل، نسل رقابت و تلاش نیز هست. بعید نیست که فردا شاهد خلق آثاری شکوهمند از هر کدام از این عزیزان باشیم. وی رستم وهاب‌نیا، فرزانه و سیاوش را از این نسل برجسته می‌داند و اعتقاد دارد اینان به «شعر تاجیکستان اعتبار و روحی تازه داده‌اند» (همان: ۳۴).

تا آنجا که نگارنده خبر دارد در دهه اخیر از میان پژوهشگران تاجیک استاد خدای‌نظر عصارزاده در کتاب *ادبیات تاجیک در سده بیست*^۱ (Асозода, 1999) بدون اینکه بخش خاصی به موضوع دوره‌بندی ادبیات معاصر تاجیک اختصاص دهد، فصل‌های پنج‌گانه کتاب خود را براساس الگوی پیشنهادی مسلمانیان قبادیانی تنظیم کرده و به نوعی این دوره‌بندی و حتی اصطلاحات به کار رفته در مقاله وی را پذیرفته و در کتاب خود تکرار کرده‌است. این دوره‌بندی به شرح زیر قابل دسته‌بندی است:

۱- فصل اول: ادبیات پایان قرن ۱۹ و ابتدای عصر ۲۰ (همان: ۱-۵۷).

۲- فصل دوم: مرحله‌های انکشاف ادبیات شوروی فارسی تاجیکی (۱۹۲۴-۱۹۵۰) (همان: ۵۲-۹۳).

۳- فصل سوم: ادبیات سال‌های شصت و هشتاد (همان: ۹۴-۱۴۵).

۴- فصل پنجم: مرحله رشد ادبیات حقیقی مردمی (همان: ۱۷۹-۱۹۴).

یکی از نکات بسیار مهم دوره‌بندی ادبی عصارزاده، توجه به انتخاب نام «فارسی تاجیکی» در سراسر کتاب و دوره‌بندی‌هاست. با تلاش‌های نخبگان تاجیک در دوره بازسازی، سرانجام در ۱۹۸۹ قانون زبان به تصویب رسید. در ماده یکم قانون زبان مصوب شورای عالی

(مجلس) تاجیکستان در ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۹ این‌گونه آمده بود: «زبان دولتی جمهوری تاجیکستان زبان تاجیکی (فارسی) است» (شکوری بخارایی، ۱۳۸۲: ۸۱). قرار بود پس از ارتقای زبان تاجیکی به زبان دولتی تا ۱۹۹۴، الفبای نیاکان نیز در همه سطوح آموزشی کشور جاری شود؛ اما متأسفانه وقوع جنگ شهروندی و تغییر سیاست‌های دولت مانع از این کار شد و نه تنها این برنامه، بلکه در تغییرات ایجادشده در متن قانون مصوب ۱۹۸۹ به ۱۹۹۹، کلمه فارسی نیز از متن اصل دوم قانون اساسی جمهوری تاجیکستان از داخل پرانتز حذف شده است (قانون اساسی جمهوری تاجیکستان، ۱۳۹۳: ۱۶).^(۳)

اگر بخواهیم مبانی فکری دوره‌بندی‌های یادشده از روشنگری تا استقلال را با عطف توجه به تأثیر ایران و ادبیات فارسی بر ادبیات تاجیک پیش روی مخاطب قرار دهیم، باید گفت دوره‌بندی‌های پیشنهادشده در دوره شوروی یکسره از منظر مبانی فکری، تحت سلطه انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و نظام‌های فکری و فرهنگی برآمده از بلشویزمی بود که نخست لنین آن را در جهت استحکام انقلاب مورد نظر خود با استفاده از عبارت مارکس^۱، یعنی «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها» اخذ کرده و پرورش داده بود. وی در این زمینه، نخست موضوع را «به یک اصل ایدئولوژیک که حاصل دخل و تصرف او در مارکسیسم بود، تبدیل کرد» و بعدتر آن را طبق الگوی «ملی در شکل و سوسیالیستی در محتوا» در تمام شئون فکری و فرهنگی کشورهای تحت سلطه خود در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، به اجرا گذاشت (هاگوپیان، ۱۳۸۳: ۲۲۹). این جریان با شدت تمام تا مرگ استالین (۱۹۵۳) ادامه یافت. در همین دوره بود که وی به انکار تاریخ پیش از خود پرداخت؛ «دهه بیست و سی دوره انکار هستی تاریخی انسان بود و دعوا داشتند که تاریخ از دوران سوسیالیسم آغاز می‌یابد» (شکوری بخارایی، ۱۳۸۴: ۲۲). این روند البته با شدت کمتر تا دوره اصلاحات گورباچف (۱۹۸۵) دوام آورد. تأثیر ایران و ادبیات آن در شکل‌گیری ادبیات شوروی دوره لنین و استالین از نظر محتوا تقریباً هیچ بود؛ زیرا قرار گرفتن ایران در اردوگاه غرب و کاپیتالیسم به‌تنهایی کافی بود مانع بزرگی بر سر تعاملات دوجانبه ایران و این منطقه ایجاد کند، این در حالی بود که تغییر خط فارسی به لاتین (۱۹۲۹) و بعدتر سریلیک (۱۹۴۰) این مانع را دوچندان کره بود (همان: ۲۷). ابوالقاسم لاهوتی نیز که از سال ۱۹۲۵ به تاجیکستان کوچید، خود مبلغ همین اندیشه بود؛ اما در هر صورت نباید نقش وی را در حفظ و استمرار زبان ملی فارسی‌زبانان، که از ۱۹۲۴ به تاجیکی تغییر نام داده بود، کم‌اهمیت

1. Karl Heinrich Marx (1818-1883)

دانست. با مرگ استالین در ۱۹۵۳ بود که بازگشت نرم به سنت‌ها آغاز و در نتیجه ایجاد روابط ادبی و فرهنگی محدود بین دو کشور جان گرفت^(۴) و نهایتاً در دوره گورباچف و سپس دوره استقلال به بالاترین حد خود رسید. در این دوره تقریباً بخش بزرگی از میراث ادبیات معاصر ایران از نیمایوشج تا قیصر امین‌پور در دسترس مخاطبان تاجیک قرار گرفت و بر ذوق و سلیقه شاعران فارسی‌زبان منطقه مؤثر واقع شد (وهاب، ۱۳۹۳: ۲۹-۳۲ و ۵۲؛ شعر دوست، ۱۳۷۶: ۳۱۷-۲۹۷).

۵- الگوی پیشنهادی برای دوره‌بندی ادبیات معاصر تاجیک

روش پیشنهادی این مقاله در ارائه الگوی دوره‌بندی ادبیات معاصر تاجیک، توجه توأمان به مبانی رویکردهای بیرونی و درونی در تحلیل ادبی است که برای نخستین بار پس از تحلیل تقریباً تمام میراث باقی‌مانده از مکتب‌های یادشده در این زمینه، پیش روی مخاطب گذاشته شده‌است. ویژگی این الگو پرهیز از هر نوع تأثیر نابه‌جا و جانبدارانه در دوره‌بندی است. نتایج این تحلیل، به‌طور مستقیم در نگارش جریان‌شناسی ادبیات معاصر تاجیک، به‌ویژه شعر آن تأثیر دارد و با ارائه الگویی علمی، دریچه‌ای نو به روی مخاطبان ایرانی علاقه‌مند به ادبیات معاصر فارسی در حوزه تمدنی مشترک در آسیای مرکزی خواهد گشود و از این نظر کاملاً نوآورانه است. براساس عطف توجه توأمان به شاخص‌های تأثیرگذار بیرونی و درونی در دوره‌بندی ادبی، الگوی خود را در این زمینه در معرض قضاوت خوانندگان می‌نهیم. امید است با حسن توجه و نگاه عالمانه پژوهشگران این عرصه مواجه و اصلاح شود:

۱- معارف‌پروری / روشنگری (۱۸۷۰-۱۹۰۵)

۲- تجددگرایی (۱۹۰۵-۱۹۱۷)

۳- پیدایش ادبیات شورایی (۱۹۱۷-۱۹۲۹)

۴- رشد و استحکام ادبیات شورایی (۱۹۲۹-۱۹۵۳)

۵- آغاز زوال ادبیات شورایی و بازگشت نرم به سنت (۱۹۵۳-۱۹۸۵)

۶- در آستانه بیداری و آزادی (۱۹۸۵-۱۹۹۱)

۷- استقلال و خودآگاهی ملی (۱۹۹۱-۲۰۱۵)

۸- استقلال و تردید و غربت (۲۰۱۵ تاکنون).

۶- ملاحظات تاریخی

یکی از اساسی‌ترین مبانی مورد اعتنای مورخان ادبی در دوره‌بندی‌ها و جریان‌شناسی‌های ادبی، توجه به نقاط عطف تاریخی آنهاست. «روش کار تاریخ ادبی در دوره‌بندی و جریان‌شناسی بر شناسایی و انتخاب «لحظه‌های تغییر» تأکید دارد. منشأ پیدایش تاریخ ادبی به معنی دقیق آن، زمانی است که موضوع تطور و تحول در ادبیات و لحظه‌های تغییر محسوس می‌شود» (فتوحی، ۱۳۸۷: ۴۴). از این منظر می‌توان تاریخ ادبیات معاصر تاجیک را از ۱۸۷۰-۱۹۹۱ در هشت لحظه تغییر بررسی کرد:

۶-۱- معارف‌پروری / روشنگری (۱۸۷۰-۱۹۰۵)

ادبیات معارف‌پروری و روشنگری، به رهبری احمد دانش بخارایی (۱۸۲۷-۱۸۹۷) در بخارا آغاز شد و هدف آن ایجاد اصلاحات در امارت بخارا در همه شئون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مردم در این منطقه بود. دانش پس از دو بار سفر به روسیه در خلال ۱۸۵۷-۱۸۵۸ و ۱۸۶۹-۱۸۷۰، در قالب هیئت دیپلماتیک امارت بخارا به سن‌پترزبورگ، از نزدیک با تمدن اروپایی در قامت جامعه روسیه آشنا شد و فاصله جامعه عقب‌مانده بخارا را با آن از نزدیک لمس کرد. وی در خلال ۱۸۷۰-۱۸۷۳ با تألیف کتاب *رساله در نظم و تمدن و تعاون* «برنامه جدی اصلاحات و ترتیبات دولتی و ساخت جمعیتی بخارا» (هادی‌زاده، ۱۳۷۲: ۷۱) را در قالب پیشنهادهایی مبنی بر تأسیس مجلس شورا، تشکیل وزارتخانه و برپایه مدارس جدید به امیرمظفر (حک. ۱۸۶۰-۱۸۸۵) ارائه کرد؛ اما هیچ‌کدام از این پیشنهادهای پذیرفته نشد و خود نیز پس از بازگشت از سفر سوم به سن‌پترزبورگ (اواخر سال ۱۸۷۳) با سمت قاضی به نواحی دوردست بخارا فرستاده شد (هیچینس، ۱۳۶۸ الف: ۲۱؛ مسلمانیان قبادیانی، ۱۳۷۱: ۲۶ و هادی‌زاده، ۱۳۷۲: ۷۱).

دانش پس از به حاشیه رانده شدن از دربار، مهمترین کتاب عصر معارف‌پروری این منطقه را طی ۱۸۷۵-۱۸۹۰ با نام *نوادرالوقایع* تألیف کرد. این کتاب علاوه بر آنکه در بیداری فکری حلقه روشنفکری بخارا مؤثر واقع شد با نثر رئالیستی خود تأثیر عمیقی بر نثر نوین تاجیک در دوره بعدی به جا گذاشت (عینی، ۱۳۶۲: ۶۵۹-۶۷۶). وی در اواخر عمر با تألیف *رساله یا مختصری از تاریخ سلطنت خاندان منغتییه*، ضمن بررسی تاریخ احوال امارت بخارا (۱۹۲۰-۱۷۵۳) به‌شدت به امیران اخیر بخارا از امیرمظفر تا امیر عبدالاحد منغیتی تاخت و شیوه حکومت‌داری آن‌ها را بدون پرده‌پوشی به باد انتقاد گرفت و در بسیاری از موارد آنها را هجو کرد (دانش، ۱۹۶۰: ۳۴ به بعد).

اگر بخواهیم پس از یک سده ارزیابی دقیقی از این دوره ارائه کنیم، باید گفت جنبش فکری دانش در ایجاد زمینه برای تحولات بعدی بسیار مؤثر بود، به گونه‌ای که اغلب فعالان عصر تجددگرایی از شاگردان این مکتب به شمار می‌رفتند؛ اما این جنبش نتوانست به دلیل نداشتن رسانه همگانی از جمله روزنامه و مجله همسو با تحولات دنیای اسلام به جریانی فراگیر و تأثیرگذار در بین مردم تبدیل شود؛ هم از این‌رو نتوانست هیچ تحولی چشمگیر در جامعه ایجاد کند.

۶-۲- تجددگرایی (۱۹۰۵-۱۹۱۷)

نهضت فکری معارف‌پروری در دومین مرحله از حیات فکری مردم در آسیای مرکزی در دوره جدید، در میان روشنفکران آغاز سده بیستم این مناطق به نام جدیدان زبانه کشید و جانی دوباره گرفت و توانست از حلقه‌های محدود روشنفکری به میان عامه مردم رسوخ کند (هیچینس، ۱۳۶۸ ب: ۳۵-۳۶). جدیدان با الهام از میراث فکری دانش و بهره‌مندی از نهضت فراگیر فکری شرق، جنبشی عظیم در آسیای مرکزی به راه انداختند که نه تنها در میان فارسی‌زبانان، بلکه در میان سایر اقوام ترک‌زبان منطقه نیز طرفداران بسیاری را به سوی خود جلب کرد. اینان با تأسیس روزنامه‌ها و مجلات فارسی و ازبکی، چاپ کتاب‌های روشنگرانه، تأسیس مدارس به سبک جدید، اعزام دانشجویان به کشورهای خارج، امارت پوسیده و در حال اضمحلال بخارا را با چالش جدی مواجه کردند. پیروزی انقلاب اول روسیه (۱۹۰۵)، انقلاب مشروطه در ایران (۱۹۰۶)، انقلاب مشروطه در عثمانی (۱۹۰۸) نقطه شروع جدی این نهضت بود و طی بیش از یک دهه تمام شئون اجتماعی و فرهنگی مردم را تحت تأثیر خود قرار داد.

رنالیسم شکل گرفته در دوره نهضت معارف‌پروری با لحنی کاملاً رمانتیک در دوره دوم ادبیات نوین تاجیک موسوم به «جدیدیه/جدیدان» در خلال ۱۹۰۵-۱۹۱۷ نخستین بار در آثار فارسی عبدالرئوف فطرت بخارایی (۱۸۸۶-۱۹۳۷) از جمله دو کتاب رمان گونه مناظره (۱۹۱۰) و بیانات سیاح هندی (۱۹۱۲)، و مجموعه شعر صیحه (۱۹۱۲) مجال بروز یافت. این نویسندگان و همفکرانش توانستند در زبانی نوآیین و ساده با توصیف واقعیت‌های جامعه در حال سقوط بخارای آغاز سده بیستم، رنالیسم راستین را با لحنی رمانتیک به نمایش بگذارند و به قول عینی «رنگ نو» به «زبان و ادبیات تاجیک» بدهند (۱۹۲۶: ۵۳۱).

۶-۳- پیدایش ادبیات شورایی (۱۹۱۷-۱۹۲۹)

فعالیت حزب بلشویک در روسیه تزاری و مناطق اشغالی در آسیای مرکزی توانست نهضت

جدیدان را به سمت اهداف خود متمایل کند و درنهایت با به ثمر نشستن انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ یکسره آنان را تحت سیطره فکری خود درآورد. جدیدان در ۱۹۲۰ با حمایت مستقیم و همه‌جانبه بلشویک‌ها، امارت‌های بخارا و خوارزم را به زیر کشیدند و جمهوری‌های خلقی شورایی بخارا و خوارزم را به جای آن تاسیس کردند (خدایار، ۱۳۸۴: ۳۰-۳۵ و خدایار، ۱۳۹۳: ۱۰۱-۱۰۰ و ۱۱۹). این جنبش با تأسیس جمهوری‌های شوروی در ۱۹۲۴ خود را در چنگ بلشویسم یافت و چاره‌ای جز همراهی با اهداف آن ندید. ادبیات تولیدشده در این دوره، کمابیش در خدمت حزب کمونیسم بود، هرچند به‌ظاهر در خدمت اهداف بومی و ملی نیز حرکت می‌کرد. دوران لنین دوران مدارا با فرهنگ‌های بومی نیز بود. وی تعارض آشکاری در اهداف خود و فعالان فرهنگ بومی نمی‌دید. ادبیات شوروی تاجیک با شکل ملی و محتوای سوسیالیستی در این دوره شکل گرفت و در اندک زمانی توانست تمام جریان‌های رقیب را از میدان فعالیت به‌در کند. با مهاجرت لاهوتی به روسیه در ۱۹۲۲ و سپس اقامت وی در تاجیکستان از ۱۹۲۵، زمینه انتقال تجارب ادبیات نوین ایران به تاجیکستان با رنگ‌وبوی «سرخ» آماده شد. در همین دوره ادبیات نوین روسیه، هم در شکل و هم در محتوا، تأثیر شگرفی بر ادبیات نوین تاجیک گذاشت؛ به‌گونه‌ای که باید شکل‌گیری شعر نو و بسیاری دیگر از انواع ادبی جدید در ادبیات تاجیک را محصول این روند دانست. اگر بگوییم ادبیات تاجیک در این زمان از نظر محتوا و نیز در بسیاری دیگر از انواع ادبی در بست تحت سیطره شوروی قرار داشت، به خطا نرفته‌ایم. برای مثال شعر نو و گونه خاص آن به قول تاجیک‌ها «زین‌های [پله‌های]» یکسره تحت تأثیر شاعر انقلابی و فوتوریست^۱ روس، ولادیمیر مایکوفسکی^۲ رفت و نثر نوین آن نیز از ماکسیم گورکی^۳، بنیانگذار رئالیسم سوسیالیسم و به گفته صدرالدین عینی «پدر تربیت‌گر ادبیات سویتی» (شکوری بخارایی، ۱۹۷۸: ۶۶) الهام‌ها گرفت و پیروان فراوانی را برای خود در تاجیکستان دست‌وپا کرد (Asozoda, 1999: 61, 134).

۶-۴- رشد و استحکام ادبیات شورایی (۱۹۲۹-۱۹۵۳م)

روند ترجمه از آثار روسی که از دوره پیشین آغاز شده بود در این دوره با هدایت عینی و لاهوتی با شدت بیشتری استمرار یافت و با حفظ ارتباط حداقلی با ریشه‌های میراث کهن، بخش

1. Futurist

2. Vladimir Mayakovsky (1893-1930)

3. Maxim Gorky (1868-1936)

عظیمی از آثار رهبران فکری رئالیسم سوسیالیسم را به تاجیکی برگرداند: «از ابتدای سال‌های سی همه نویسندگان تاجیک به آموزش جدی ادبیات روس میان بستند» (شکوری بخارایی، ۱۹۷۸: ۱۹۴-۲۰۹). این جریان هرچند باعث گسترش سبک نوین نویسندگی در تاجیکی بود، از یک سو روند فساد زبان را به دنیال داشت و آن را به سمت عامیانی و ترجمه‌زدگی افسارگسیخته روانه می‌کرد و از سوی دیگر تفکر ملی را از تاجیکان می‌ربود و به سمت روس‌پرستی حرکت می‌داد: «زبان ادبی تاجیکی در مبارزه دوگونگی به تدریج سست شده و قدم‌به‌قدم به مغلوبیت دچار آمده، میدان را خالی می‌کرد» (همان: ۲۸)

دوره‌ای که استالین بر شوروی سابق حکم راند (۱۹۲۹-۱۹۵۳)، دوره رواج رئالیسم سوسیالیستی خشن و مبارزه آشکار با سنت‌ها و ارزش‌های حاکم بر آن بود. این دوره با خشونت‌های کور خود، بسیاری از فعالان عصر تجددگرایی را که به دامان کمونیسم خزیده بودند، بلعید. در دهه سی تقریباً تمام مبارزان وطن در دوره تجددگرایی به جرم ملیت‌گرایی و طرفداری از بورژوازی به قتل رسیدند. جدیدان نمی‌دانستند یا اگر می‌دانستند گزینه دیگری در مقابل خود نداشتند که اهداف ملی و آرمان‌های وابسته به آن را نمی‌توان با چنگ زدن به دامن بیگانه پی‌گیری کرد و این‌گونه بود که تاوان این خطای راهبردی خود را با «خون» پس دادند. پس از تسویه حساب‌های خونین دهه سی ام سده بیستم، به دستور مستقیم استالین در ۱۹۴۶، به منظور اجرای بنیادهای فرهنگی یکسان در تمام اتحاد شوروی، آندری ژدانف^۱ معماری فرهنگی جامعه شوروی را به عهده گرفت. در این دوره ادبیات کاملاً فرمایشی بود و برای خدمت به اهداف حزب کمونیست و منویات شخص استالین تولید می‌شد. این دوره را باید سیاه‌ترین دوره فرهنگی شوروی شمرد.

۶-۵- آغاز زوال ادبیات شورایی و بازگشت نرم به سنت (۱۹۵۳-۱۹۸۵)

با مرگ استالین در ۱۹۵۳، و روی کار آمدن خروشچف^۲ (۱۹۶۴-۱۹۵۳) فضای تنفس برای ادبیات‌های بومی جمهوری‌های درون اتحاد شوروی شکل گرفت. این دوره در میان پژوهشگران به نام «دهه شصتی‌ها» مشهور است. اینان با استفاده از روند استالین‌زدایی خروشچف، توانستند با بهره‌گیری از «نرمش خروشچفی» و مراجعه به میراث ملی، هرچند اندک، خود را از سیطره رئالیسم سوسیالیستی خشن ژدانفی آزاد کنند و در کنار موضوعات

1. Andrei Zhdanov (1896-1948)

2. Nikita Khrushchev

عمومی، به مسائل خردتر بومی و ملی خود نیز بیندیشند (هیچینس ۱۳۶۸ الف: ۲۱؛ مسلمانیان قبادیانی، ۱۳۷۱: ۲۶؛ ۹۸-۹۹؛ ۱۹۹۹). با مرگ استالین، تمام جدیدان از اتهامات واردشده مبرا دانسته شدند و یک بار دیگر میراثشان به دامن ادبیات دهه شصت بازگشت. پرژی بچکا، در ۱۹۶۸ در همکاری با یان ریپکا در تألیف تاریخ ادبیات ایران با حال و هوای دوره استالین، میراث ادبی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جدیدان را نادیده گرفته، به آنها اتهام‌های ناروایی مانند همکاری با تزار روس، پشت کردن به آرمان‌های مردم، کمک به نیروی ضد انقلاب اکتبر، و حتی اتهام عجیب و غریب همکاری و خودشیرینی در نزد امیر بخارا وارد کرده بود (ریپکا و دیگران، ۱۳۸۳: ۱/۲-۹۰۱-۹۰۲). وی در تکمله‌ای که در ۱۳۷۱ با نام «ادبیات معاصر تاجیک» برای کتاب پیش‌گفته نوشت (بچکا، ۱۳۷۲: ۲۰۹-۲۴۸)، در ارزیابی خود از جدیدان با انتقاد از تاریخ‌نگاری رسمی شوروی در پیش از ۱۹۸۵ که جدیدیه را «جنیشی دشمنانه، ناسیونالیستی و بورژوایی» می‌خواند، ادبیات شوروی تاجیکستان را «بدون توجه به جدیدیه» توضیح‌ناپذیر دانست (همان: ۲۳۶).

۶-۶- در آستانه بیداری و آزادی (۱۹۸۵-۱۹۹۱)

دهه هفتاد که منتقدان تاجیک آن را «مرحله رشد ادبیات حقیقی مردمی» نامیده‌اند (مسلمانیان قبادیانی، ۱۳۷۱: ۲۵)، شروع دوره ششم ادبیات نوین تاجیک است. این مرحله از ۱۹۸۵ با اعلام پرسترویکا و گلاسنوست^(۵) در زمان گورباچف آغاز شد و با قدرت توفانی به راه خود ادامه داد و با دگرذیسی شکل‌گرفته در ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ادبی واپسین سال‌های شوروی که در نهایت به استقلال جمهوری‌ها انجامید، در قالب رماتیک اجتماعی جلوه‌گر شد. بازگشت به ارزش‌های واقعی مردم تاجیک در قامت سنت‌های ملی و اسلامی را می‌توان به تمام و کمال در این دوره مشاهده کرد. در این سال‌ها با تأسیس نهادهای فرهنگی از جمله بنیاد فرهنگ، بنیاد زبان، بنیاد رستاخیز، حزب دموکرات و چندین نشریه معتبر روند بیداری ملی پرشتاب‌تر و فضای جامعه هرچه بیشتر برای پذیرش استقلال آماده‌تر شد. اوج فعالیت روشنفکران تاجیک در بازگشت به هویت ملی مشترک آریایی‌تباران و فارسی‌زبانان منطقه را باید تصویب قانون زبان در ژوئیه ۱۸۹۸ دانست. در این قانون در کنار واژه تاجیکی در داخل پرانتز از واژه فارسی استفاده شده بود. این حرکت روزهای بسیار خوبی را برای یگانگی هم‌زبانان پس از ۱۹۲۴ و کاربرد واژه تاجیکی به جای فارسی برای افاده زبان ایرانی‌تباران منطقه، نوید می‌داد.

۶-۷- استقلال و خودآگاهی ملی (۱۹۹۱-۲۰۱۵)

جریان توفانی‌ای که در دوره بازسازی شروع شده بود، با فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های درون این اتحادیه در ۱۹۹۱ به اوج خود رسید و اگر جنگ شهروندی (۱۹۹۲-۱۹۹۷) اجازه می‌داد، برکت بی‌شماری برای آریایی‌تباران منطقه به‌جا می‌گذاشت. با این همه و به‌رغم تمام نابسامانی‌هایی که به دلیل جهل و خودخواهی نیروهای درگیر از یک سو، و دخالت خارجی از سوی دیگر، برای جامعه تاجیک به بار آمد، این جریان در دوران جنگ شهروندی در تاجیکستان به‌شدت از سوی طیف وسیعی از شاعران نسل چهارم و پنجم پیگیری شد. به‌ویژه در موضوعات اجتماعی و ملی و مضامین وابسته به آن از جمله خویش‌شناسی، خودآگاهی، بیداری ملی، پژواک دردها و زخم‌های ملت در چند سده گذشته، افتخار به میراث نیاکان، و سنت‌های ملی و بعضاً اسلامی آنها، پرداختن به مفهوم وطن با تمام ویژگی‌هایش از خانه، محله، ناحیه، شهر و کشور تا وطن فارسی‌زبانان و آریایی‌تباران، اعتنای ویژه به شاهنامه و قهرمانان آن نمودار شد. همه این مفاهیم در زبان و نظام‌های سه‌گانه آن، یعنی آوایی، واژگانی و نحوی، کاملاً رنگ‌وبوی ماوراءالنهری داشت و با درجه کمتری در تخیل و ساخت شعری، و البته به‌شدت کمتر در موسیقی، نمود پیدا کرده و فردیت کاملاً احساس‌شدنی به آنها بخشیده‌است.

۶-۸- استقلال و تردید و غربت (۲۰۱۵ تاکنون)

به نظر می‌رسد ادبیات تاجیک، همراه با تحولات سیاسی آن از سال ۲۰۱۵ وارد دوره جدیدی از حیات خود شده‌است: عصر تردید و غربت. در تابستان سال یادشده دولت حاکم به دلیل کودتای نافرجام شکل‌گرفته علیه خود که آن را به سران حزب نهضت اسلامی منتسب کرد، تنگناهای جدیدی را علیه مخالفان اعمال کرد. تعدادی از نویسندگان و شاعران به کشورهای اروپایی مهاجرت کردند و تقابل زبان نوساخته تاجیکی با فارسی از طرف دولت برجسته‌تر شد. ۱۴ دسامبر سال ۲۰۱۷ مطلبی با نام «زبان ملت تاجیک، زبان تاجیکی است» در خبرگزاری دولتی خاور به قلم فرهاد رحیمی، رئیس فرهنگستان علوم تاجیکستان، به چاپ رسید. نویسنده مقاله آشکارا از زبان تاجیکی در مقابل زبان فارسی حمایت و تلاش کرده‌است مخالفان خود را کسانی معرفی کند که اعتقادی به زبان و هویت ملی ندارند. مخالفت‌های فراوانی با محتوای این مقاله صورت پذیرفت؛ به‌ویژه آنکه فرهاد رحیمی در جایی از مقاله مدعی شده بود: «پارسی‌نامیدن زبان ملی تاجیکستان، استقلال و

هویت ملی تاجیکستان را تهدید می‌کند» (Раҳими, 2017 декабр 14). امام‌علی رحمان، رئیس‌جمهور کنونی تاجیکستان، در کتاب *زبان ملت، هستی ملت*، «فارسی» یا «فارسی دری نامیدن» زبان کنونی تاجیکی را نه خلاف حقیقت تاریخی دانسته و نه اعتقاد به آن را عاملی برای خلل استقلال کشور معرفی کرده بود (Раҳмон, 2016: 19).

هرچند در عصر شبکه‌های اجتماعی از تأثیر سیاست‌های رسمی و فرمایشی به‌شدت کاسته شده‌است، نباید از فضای تردید ایجادشده بر اثر این سیاست‌ها و نقش آن در ادبیات غافل بود. در تاریخ ۳۰ مارس ۲۰۱۸ تعدادی از شاعران، ادیبان، روزنامه‌نگاران و مورخان نامدار تاجیک از جمله عبدالقادر رستم، اسفندیار نظر، لقمان بایمتاف، داریوش رجبیان، صفر عبدالله و دیگران طی نامه‌ای سرگشاده خطاب رئیس‌مجلس عالی تاجیکستان خواهان اصلاح این خطای فاحش تاریخی شدند: «از اعضای مجلس عالی تاجیکستان انتظار می‌رود که این اشتباه فاحش تاریخی را اصلاح کنند و نام راستین زبانمان را که پارسی است بر کرسی اعتبار رسمی برگردانید» (پایگاه خبری کیمیای سعادت، ۲۰۱۸).

۷- نتیجه‌گیری

ادبیات معاصر تاجیک در دوره معاصر از معارف‌پروری تا استقلال (۱۸۷۰-۲۰۱۵) هشت لحظه تغییر را از سر گذارنده‌است. تلاش برای روشنگری و تجددگرایی در محتوا مهم‌ترین ویژگی دو دوره نخست ادبیات نوین تاجیک به شمار می‌رود. در این دو دوره، زبان نوآیین فارسی تحت تأثیر تحولات دنیای جدید در جهان فارسی‌زبان و منطقه شکل گرفت و در دوره شوراها با تغییر نام به تاجیکی و عامیانه‌گرایی غلیظ به حیات خود ادامه داد. ادبیات شورایی در دوره‌های شکل‌گیری تا زوال از منظر محتوا یکسره در خدمت ایدئولوژی حزب کمونیست بود؛ هرچند شکل به هم پیوسته‌ای از سنت هزارساله، همچون مغناطیسی اجازه تغییرات شگرف را به زبان نوآیین نداد؛ با این همه با استفاده از تجربه همتایان خود در ایران و روسیه راه‌های نوینی را تجربه کرد. نسیم بازگشت به خود و سنت‌های نیاکان از دهه شصت سده بیستم آغاز شد و در دوران بازسازی پا به آستانه بیداری و آزادی نهاد. ادبیات تاجیک در دوره استقلال در هوای خودآگاهی ملی و تاریخی نفس کشید و با حفظ رنگ‌وبوی ماوراءالنهری، خود را به دامان مام وطن تاریخی افکند. حوادث پس از ۲۰۱۵ غبار

تردید و غربت را در آسمان جهان فارسی‌زبانان منطقه پراکنده‌است؛ اما قدرت شبکه‌های اجتماعی از تولید و تأثیر ادبیات فرمایشی به شدت کاسته‌است.

پی‌نوشت

- ۱- عیسی شهبابی نخستین ترجمه فارسی تاریخ ادبیات ایران را در ۱۳۵۴ منتشر کرد. این کتاب در ۱۳۷۰ با ترجمه کیخسرو کشاورزی با نام تاریخ ادبیات ایران: پژوهشی درباره دگرگونی تاریخی زبان و ادبیات فارسی تاجیکی از زمان باستان تا آغاز سده ۲۰م چاپ شد. ابوالقاسم سّری در ۱۳۸۳ ترجمه دیگری از این اثر را در دو جلد روانه بازار کرد.
- ۲- گل‌رخسار در کنار لایق و بازار صابر متعلق به نسل چهارم شعر معاصر تاجیک است. قزوه در این زمینه مرتکب خطا شده‌است. علت ارتکاب این اشتباه سال تولد شاعر است؛ در حالی که باید حضور در جریان‌های شعری و چاپ مجموعه شعر را ملاک نسل قرار دهیم نه سال تولد را.
- ۳- علی‌اصغر شعر دوست، گردآورنده کتاب تاریخ ادبیات نوین تاجیکستان (۱۳۹۰)، بدون توجه دقیق به تجارب و دستاوردهای دوره‌بندی ادبی تاجیک در سال‌های اخیر در ایران و تاجیکستان، در تدوین این اثر که در غالب موارد بدون ارجاع است و اصالت اسناد آن تقریباً قریب به اتفاق مشخص نیست، دوره‌بندی معارف‌پروری، جدیدان و ادبیات شوروی را (در هفت مرحله) تکرار کرده‌است (نک. شعر دوست، ۱۳۹۰).
- ۴- پس از شکل‌گیری جمهوری‌های شوروی در ۱۹۲۴م در آسیای مرکزی، رفته‌رفته روابط ایران با این منطقه قطع و به مسافرت بسیار محدود هیئت‌های رسمی ایرانی از طریق مسکو ختم شد. برگزاری «نخستین سمپوزیوم شعر فارسی» در ۲۷-۲۸ دسامبر سال ۱۹۶۸م/۶-۷ دی ۱۳۴۷ش در شهر دوشنبه در آشنا کردن شاعران محیط‌های ادبی فارسی‌زبان ایران، افغانستان و تاجیکستان با یکدیگر تأثیر عمیقی بر جای گذاشت. در این همایش شخصیت‌های برجسته ادبی ایران و افغانستان از جمله خانلری (۱۲۹۲-۱۳۶۹ش)، یوسفی (۱۳۰۶-۱۳۶۹ش)، نادرپور (۱۳۰۸-۱۳۷۸ش)، صورتگر (۱۲۹۷-۱۳۴۸ش)، مایل هروی (تولد ۱۳۲۹ش در هرات)، خلیلی (۱۲۸۶-۱۳۶۶ش) و دیگران شرکت داشتند. رستم وهاب در ارزیابی این همایش و اهمیت آن نوشته‌است: «موضوع اصلی بحث و بررسی‌ها در آن سمپوزیوم مسائل نظری و علمی شعر نو بود. می‌توان گفت که پس از این همایش، روابط ادبی، به خصوص در زمینه تبادل تجارت ادبی و انتشار کتب به صورت متقابل وارد مرحله جدید شد (۱۳۹۳: ۲۹).

۵- پرسترویکا (به روسی перестройка، به انگلیسی Perestroika) اصلاحات سیاسی‌ای بود که میخائیل گورباچف در کنار برنامه موسوم به گلاسنوست (به روسی гласность، به انگلیسی glasnost) طی ۱۹۸۵-۱۹۹۱م به منظور بازسازی اقتصاد شوروی و ایجاد فضای باز سیاسی و شفافیت در آن به اجرا گذاشت.

منابع

- بچکا، ی. ۱۳۷۲. *ادبیات فارسی در تاجیکستان*، مترجمان م. عبادیان و س. عبانژاد هجران‌دوست. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.
- پایگاه خبری کیمبای سعادت. ۲۰۱۸. «نام راستین زبانمان را که پارسی است، بر کرسی اعتبار برگردانید!». از www.farsiksaadat.wordpress.com، تاریخ مشاهده ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.
- پورنامداریان، ت. و ق. طاهری. ۱۳۸۵. «نگاهی انتقادی به «جریان‌شناسی»های شعر معاصر ایران». *مجله دانشکده علوم انسانی الزهرا (س)*، ۵۶ و ۵۷: ۱-۱۸.
- حسین پور چافی، ع. ۱۳۸۴. *جریان‌های شعری معاصر فارسی از کودتا (۱۳۳۲) تا انقلاب (۱۳۵۷)*، تهران: امیرکبیر.
- خدایار، ا. ۱۳۸۴. *غریبه‌های آشنا: شعر فارسی ماوراءالنهر قرن بیست با تکیه بر محی‌ط‌های ادبی خوقند و خوارزم*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی؛ تمدن ایرانی.
- _____ ۱۳۹۳. «گسپیرینسکی و رمان آرمان‌شهری وی (دارالراحت مسلمان‌لری)». *نقد ادبی*، (۲۷): ۹۹-۱۲۶.
- دانش، ا. ۱۹۶۰. *رساله یا مختصری از تاریخ سلطنت منغیتیه*، به سعی و اهتمام و تصحیح ع.ا. میرزایف. استالین‌آباد: نشریات دولتی تاجیکستان.
- ریبکا، ی. و دیگران. ۱۳۸۳. *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه ا. سری. ج۲. تهران: سخن.
- زرقانی، م. ۱۳۸۸. *تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی: تطور و دگردیسی زانرها تا میانه سده پنجم به انضمام نظریه تاریخ ادبیات*، تهران: سخن.
- سارلی، ن. ۱۳۹۲. «رویکردها و شیوه‌های دوره‌بندی در تاریخ ادبی». *فنون ادبی*، ۵ (۲) (پیاپی ۹): ۸۹-۱۰۸.
- ستارزاده، ع. ۱۳۸۴. «دوره‌بندی ادبیات از نگاه روش‌شناسی» در *کهنه و نو*. دوشنبه: پژوهشگاه فرهنگ فارسی - تاجیکی. ۲۲۲-۲۳۰.
- شعردوست، ع. ۱۳۹۰. *تاریخ ادبیات نوین تاجیکستان*. تهران: علمی و فرهنگی.
- شعردوست، ع. ۱۳۷۶. *چشم‌انداز شعر معاصر تاجیکستان*. تهران: الهدی.

- شکوری بخارایی، م. ۱۳۸۲. جستارها: درباره زبان، ادب، و فرهنگ تاجیکستان. تهران: اساطیر.
- _____ . ۱۳۸۴. سرنوشت فارس تاجیکی فرارود در سده بیستم میلادی. دوشنبه: رایزنی فرهنگی سفارت ج.ا. ایران در تاجیکستان.
- _____ . ۱۹۷۸. صدرالدین عینی، دوشنبه: عرفان.
- طاهری، ق. ۱۳۹۳. بانگ در بانگ: طبقه‌بندی، نقد و تحلیل جریان‌های شعری معاصر ایران (از ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰)، تهران: علمی.
- عینی، ص. ۱۹۲۶. نمونه ادبیات تاجیک، مسکو: نشریات مرکزی خلق جماهیر شوروی سوسیالیستی.
- _____ . ۱۳۶۲. یادداشت‌ها، به کوشش ع.ا. سعیدی سیرجانی. تهران: آگاه.
- فتوحی رودمعجنی، م. ۱۳۸۷. نظریه تاریخ ادبیات با بررسی انتقادی تاریخ ادبیات‌نگاری در ایران، تهران: سخن.
- قانون اساسی جمهوری تاجیکستان. ۱۳۹۳. محقق و برگردان ع. توحیدی. به همراه اصلاحات مربوط به سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۳، ۲۰۱۶م به تفکیک اصول. دوشنبه: پژوهشگاه فرهنگ فارسی - تاجیکی.
- قزوه، ع. ۱۳۷۶. خورشیدهای گم‌شده: گزیده شعر امروز تاجیک، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- مسلمانیان قبادیانی، ر. ۱۳۷۱. «ادبیات نو تاجیکی». کیهان فرهنگی، ۹۲(۱۰): ۲۵-۲۷.
- هادی‌زاده، ر. ۱۳۷۲. «حکیم بخارا». کیهان فرهنگی، ۱۰۳(۸): ۷۰-۷۱.
- هاگوپیان، م. ۱۳۸۳. «ایدئولوژی». ترجمه ا. علیقلیان. در دایره‌المعارف ناسیونالیسم، ج اول: مفاهیم اساسی (آ-خ). تهران: وزارت امور خارجه. کتابخانه تخصصی. ۲۲۳-۲۴۰.
- هیچینس، ک. ۱۳۶۸ الف. «ادبیات تاجیک از آغاز تا انقلاب اکتبر-۱». ترجمه ص. شهبازی. ادبیستان فرهنگ و هنر. (۲): ۳۴-۳۷.
- _____ . ۱۳۶۸ ب. «ادبیات تاجیک از انقلاب اکتبر تا دوره استالین‌زدایی (مروری بر تاریخ تحول شعر، قصه، رمان، و نمایشنامه‌نویسی در تاجیکستان-۲)». ترجمه ص. شهبازی. ادبیستان فرهنگ و هنر، (۳): ۶-۲۱.
- وهاب، ر. ۱۳۹۳. بوی جوی مولیان؛ شعر معاصر تاجیک، تهران: انجمن شاعران ایران.
- یاحقی، م. ۱۳۸۳. جویبار لحظه‌ها: جریان‌های ادبی معاصر ایران، تهران: جامی.

منابع تاجیکی:

Асозода, X. 1999. *Адабиёти Тоҷик дар Сади XX*. ҶЗ, Душанбе. Маориф.

Раҳими, Ф. 2017. «забони миллати тоҷик тоҷкист». *хабаргузори Ховар*, аз <http://ruzgor.tj/adabiyot-va-farhang/12886-zabon-millati-tojik-%20zaboni-%20tojikist.html>, таърихи мушоҳида 2018 март 26.

Раҳмон, Э. 2016. *Забони миллат-Ҳасти миллат*, Душанбе: Эр-Граф.

Брогиский, И. С., А. С. Эдельман ва Ҳ. Шарифзода .1956. *Очерки Таърихи Адабиёти Советии Тоҷик*, Қ1. Сталинобод: Нашриёти давлатии Тоҷикистон.

Шақуров, М. [муҳаррири масъул] .1978-1984. *Таърихи Адабиёти Советии Тоҷик (инкишофи жанрҳо)*, Иборат аз шаш ҷилд. Душанбе: Дониш.